

ایمان

اکبر

غفر:

S

N

W

E

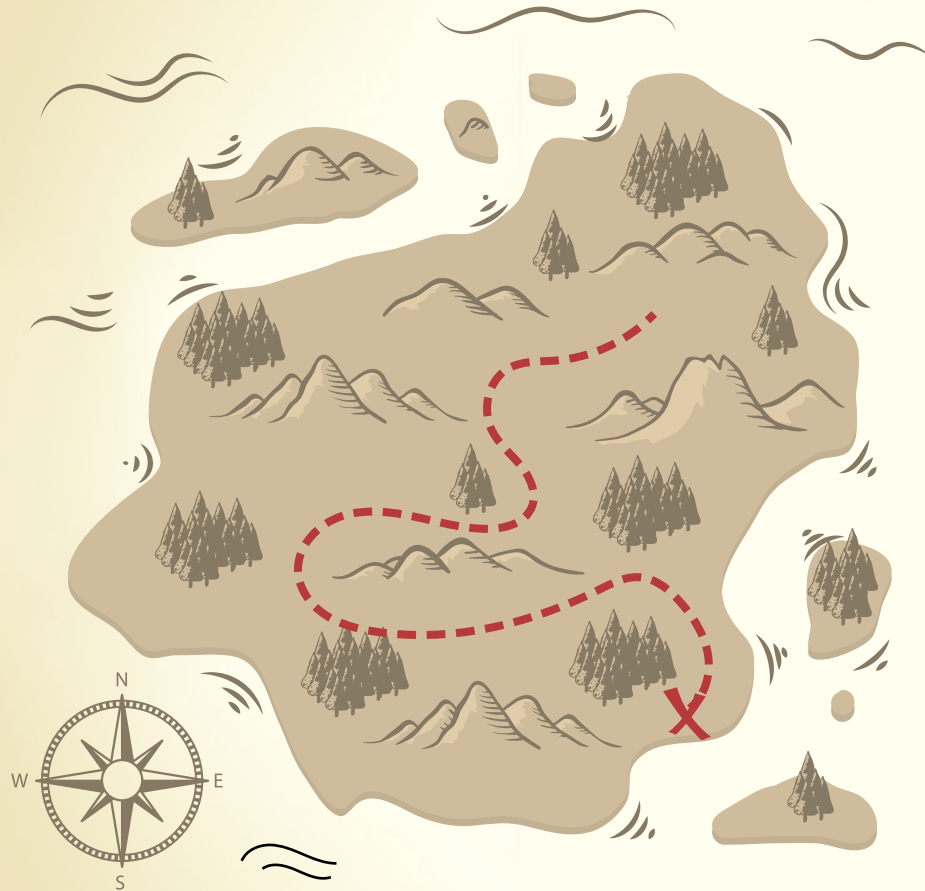
درس هشتم بخش دوم

گروه سنی: ۸-۱۲ سال

کاربرد و هدف: من از طرف پادشاه سرزمین آگاپه فراخوانده شدم تا محبتی از جنس آگاپه داشته باشم که این محبت، محبتی آرام و بدون خشونت و صلح‌جو است

آیه کلیدی: لوقا ۲۲: ۴۷-۵۳ و یوحنا ۱۸: ۱-۱۱

زمان: ۴۵ دقیقه تا یک ساعت



سخنی با معلم

همانطور که در درس گذشته با هم آموختیم، متضاد خشم و جنگ و درگیری، آرامی و صلح و دوستی است. عیسای مسیح خود سرمنشأ صلح و آرامی است. او سرور سلامتی است. تمام زندگی عیسای مسیح، از زمان تولد تا مرگش بر صلیب گویای این حقیقت است.

زمانی که عیسی به آسمان صعود کرد، ما را نمایندگان خود بر روی زمین قرار داد تا شالوم او را بر زمین برقرار کنیم.

در درس گذشته بچه‌ها از طریق بازی با مفهوم شالوم خداوند آشنا شدند. در این درس به‌طور خاص با یادگیری یکی از داستان‌های کتاب مقدس می‌آموزند که نه تنها عیسای مسیح خود سرور سلامتی بود، بلکه از هر یک از پیروانش می‌خواهد تا آنها نیز خشم و ناآرامی خود را با صلح و محبت و آرامش خداوند جایگزین کنند و اینگونه هر یک از ما، فرزندان خدا خوانده خواهیم شد.

خوش‌آمدگویی (۵ دقیقه)

- ♦ با روی خوش به بچه‌ها سلام کنید و بخواهید بچه‌ها هم به یکدیگر خوش‌آمد بگویند.
- ♦ مطمئن شوید همه بچه‌ها وسایل مورد نیاز را همراه خود آورده‌اند و اگر لازم است وقت بدهید تا آماده شوند.

مرور درس گذشته (۷ دقیقه)

- از بچه‌ها بپرسید که در هفته گذشته با آوردن هر کدام از اعداد تاس چه کاری انجام می‌دادیم؟
- ♦ عدد ۱، عدد ۷ یا لغت ۷ به انگلیسی را با انگشتان دستان نشان می‌دادیم که نمادی از صلح است.

- ♦ عدد ۳، سه نفس عمیق می‌کشیدیم که نمادی از صبر و با عجله تصمیم نگرفتن است.
- ♦ عدد ۵، یک جرئه آب می‌نوشتیدیم که نمادی از آرامی است.
- ♦ همچنین اگر اعداد زوج (۲، ۴، ۶) را می‌آوردیم اجازه داشتیم یک ایستگاه جلو برویم اما بجای گفتن عدد باید از لغت «شالوم» استفاده می‌کردیم.
- ♦ از بچه‌ها بپرسید آیا معنی کلمه شالوم را به یاد می‌آورند؟

تعلیم: (۲۰ دقیقه)

از بچه‌ها بخواهید نتیجه تحقیقات‌شان را در رابطه با وقایع مهمی که در اورشلیم در زمان عیسای مسیح اتفاق افتاد با بقیه به‌صورت خلاصه به اشتراک بگذارند. یکی از وقایع مهم، دستگیری عیسی در باغ جتسیمانی است که قرار است امروز با هم در مورد این واقعه یاد بگیریم.

این داستان را در قالب بازی با هم یاد خواهیم گرفت. در این بازی یکی از معلمین راوی خواهد بود (معلمین همچنین می‌توانند چند صدایی و به صورت تئاتری این داستان را تعریف کنید).

به بچه‌ها توضیح دهید که دو واژه و لغت خیلی مهم مدام در این داستان تکرار می‌شود. بچه‌ها باید به دقت گوش کنند و هرگاه واژه‌های زیر را شنیدند ماسک مربوط به آن را بر روی صورت‌شان بگذارند. در ضمن بچه‌ها باید دقت کنند و تا آنجا که امکان دارند تعداد دفعاتی که این واژگان تکرار می‌شوند را به یاد بسپارند.

- ♦ واژه آرام و آرامش: ماسک آرام را مقابل صورت خود قرار دهند.
- ♦ واژه خشم و عصبانیت: ماسک خشم را مقابل صورت خود قرار دهند.

(خیلی مهم است که بچه‌ها سریع قادر به عوض کردن ماسک باشند. به بچه‌ها توضیح دهید که از خودشان می‌توانند خلاقیت نشان دهند و راهکاری برای سرعت بخشیدن برای تعویض ماسک پیدا کنند. این سرعت باعث هیجان می‌شود. از طریق این بازی بچه‌ها جذب می‌شوند تا به داستانی که شاید بارها در کانون شادی شنیده‌اند توجه کنند و برای‌شان تکراری نباشد.)

داستان

امروز همه ما در شهر اورشلیم هستیم. اورشلیم یکی از شهرهای بزرگ کشور اسرائیل هست. در این شهر زیبا یک باغ بسیار زیبا است و اسم آن باغ، جتسیمانی است.

یک شب، عیسی که می‌دونست به زودی مصلوب خواهد شد تصمیم گرفت که به همراه بعضی از شاگردانش به باغ جتسیمانی بره تا دعا کنه. عیسی همیشه دوست داشت جاهای آرومی رو پیدا کنه تا بتونه در اونجا با خدای پدر صحبت کنه.

اون شب، شب سختی بود. مأموریت عیسی بر زمین داشت به اتمام می‌رسید، او احتیاج داشت با صحبت کردن با پدر آسمانی، آرامش پیدا کنه تا بتونه تا به آخر مأموریتش رو انجام بده.

بعد از دعا عیسی با آرامی مشغول صحبت کردن با شاگردان بود که ناگهان یهودا که شاگرد خائن بود با سربازهای عصبانی به باغ آمد. سربازان خواستند عیسی را دستگیر کنند. شاگردان عیسی خیلی ناراحت و نگران بودن. آنها نمی‌خواستند که سربازها عیسی را دستگیر کنند. اما عیسی می‌دونست که این هم قسمتی از مأموریتش هست.

توی اون همه سر و صدا و فریادها ناگهان پطرس با خشم و عصبانیت شمشیرش را کشید و گوش یکی از سربازان را برید.

یک دفعه همه جا آروم شد. فقط صدای ناله اون سرباز شنیده می‌شد. عیسی با آرامی به سمت پطرس رفت و به او گفت: پطرس تو باید خشم و عصبانیتت را کنترل کنی. آیا یادت رفته که من برای برقراری صلح و آرامی به این دنیا آمده‌ام؟

مأموریت من و تو این است که در هر شرایطی، دیگران را بر اساس قانون سرزمین آگاهیه محبت کنیم که این محبت محبتی آرام است و نه خشمگین. از تو می‌خواهم که خشم و عصبانیت خود را کنترل کنی، آرام باشی و شمشیرت را کنار بگذاری چون قرار نیست ما با کسی بجنگیم. سپس عیسی با آرامی گوش آن سرباز را لمس کرده و او را شفا داد.

نتیجه‌گیری: (۱۰ دقیقه)

از بچه‌ها بخواهید بگویند که:

♦ چند بار واژگان آرام و آرامش تکرار شد؟ (۹ بار)

♦ چند بار واژگان خشم و عصبانیت تکرار شد؟ (۸ بار)

همانطور که در داستان شنیدیم، عیسی که خود سرور صلح و آرامی بود، برای اینکه در شرایط سخت و دشوار آرامشش را حفظ کند، دعا می‌کرد.

عیسی از ما هم می‌خواهد نه تنها برای کسانی که در جنگ و درگیری هستند دعا کنیم بلکه برای خودمان هم دعا کنیم که بتوانیم همیشه به‌عنوان سفیران آگاهیه در آرامی باشیم، چون آرامش ماست که به دنیا می‌تواند آرامی بیاورد.

می‌توانید در انتها با بچه‌ها سرود پرستشی‌ای گوش کنید و در سکوت بخواهید تا بچه‌ها در حضور خدا، آرامش و شالوم خداوند را تجربه کنند.

سرود پیشنهادی

♦ آرامی دل‌ها

(این قسمت را با عجله انجام ندهید. بگذارید روح خداوند در بین شما و بچه‌ها کار کند.)

پروژه: (۲ دقیقه)

از بچه‌ها بخواهید با والدین‌شان عبرانیان ۱۲: ۱۴ را مطالعه کنند و با هم مشارکت داشته باشند و تحقیق کنند که چطور هر یک از ما می‌توانیم با کسانی که شاید با ما رفتار خوبی ندارند در صلح و دوستی باشیم.